

ارامنه و انقلاب مشروطه ایران

سعید جلالی سیّد

با مقدمه

پرفسور دکتر گاریک آساطوریان

و

دیباچه

دکتر محمود جنیدی جهری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه : جلالی، سیدسمید، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور : ارامنه و انقلاب مشروطه ایران/سیدسمید جلالی .
مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۲۲۲ص.
شابک : 978-964-426-581-5
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : بیرم خان، ۱۲۸۵؟-۱۳۳۰ق .
موضوع : ارامنه -- ایران -- تاریخ
موضوع : ارامنه -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۳۷ق. -- ارامنه
موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۳۷ق .
شماره افزوده : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ج ۸/۲۳/DSR1۴۵۳
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۷۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۵۲۹۲۹



ارامنه و انقلاب مشروطه ایران

مؤلف: سیدسمید جلالی
ویراستار: حمید اسکندری
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی
نسخه‌پرداز: فرزانه صادقیان
آماده سازی: عرفان بهار دوست
حروف نگار و صفحه‌آرا: کاترین عظمی
طراح جلد: عین... آزموده
اجرای جلد: عطا... کالویانی
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: النذیر
ردیف انتشار: ۹۱-۱۲

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-581-5

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۵۸۱-۵

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

مقدمهٔ پروفسور اساطوریان.....	ز
دیباچهٔ دکتر جنیدی.....	ط
مقدمهٔ نویسنده.....	ک

بخش اول: نگاه اجمالی به تحولات اجتماعی جامعهٔ ارامنهٔ ایران از دورهٔ صفویه تا عصر مشروطیت

فصل اول: مهاجرت ارامنه و تأثیر آن بر زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان.....	۳
فصل دوم: آناشری و عدم ثبات سیاسی، آسیب جدی جامعهٔ ارمنی.....	۹
فصل سوم: دورهٔ قاجاریه و پویایی اقتصادی و اجتماعی ارامنه.....	۱۱
فصل چهارم: ارمنیان ایران و انقلاب مشروطیت.....	۱۶

بخش دوم: سوسیالیسم ایرانی دو تجربه از گفتمان‌های سوسیالیستی در ایران عصر مشروطه

فصل اول: آشنایی ایرانیان با سوسیالیسم.....	۲۹
فصل دوم: تجربه قفقازی از سوسیالیسم.....	۳۳
فصل چهارم: سوسیالیست‌های پیشرو اما بی‌ادعا.....	۴۱
فصل پنجم: حزب دموکرات ایران و نقش سوسیال دموکرات‌های تبریز.....	۵۱

فصل ششم: تیکران درویش و روزنامه ایران نو	۵۹
فصل هفتم: طرح کمیته نجات ملی	۶۲
فصل هشتم: تیکران درویش و مقاله ترور	۶۹

بخش سوم: هنجاکیان در انقلاب مشروطه ایران «توامانی تفنگ و قلم»

فصل اول: هنجاکیان ایران	۸۹
فصل دوم: سوسیال دموکرات‌های گیلان	۱۰۰
فصل سوم: راهبردهای هنجاکیان در مسأله ایران	۱۰۴
فصل چهارم: یقیکیان و نقش او در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران	۱۰۶
فصل پنجم: آراء و اندیشه‌های سیاسی یقیکیان	۱۱۰
فصل ششم: یقیکیان و مسأله ارمنی	۱۱۴

بخش چهارم: دانشاکسوتیون در ایران (پیروزمردان بدفرجام)

فصل اول: ورود دانشاکسوتیون به انقلاب مشروطیت ایران	۱۳۳
فصل دوم: خیزش تبریز و نقش دانشاکها	۱۳۹
فصل سوم: دانشاکسوتیون و خیزش گیلان	۱۴۲
فصل چهارم: پیرم مرد پولادین جنبش مشروطه در ایران	۱۴۵
فصل پنجم: سپهدار و فرماندهی کل نیروهای گیلان	۱۵۰
فصل ششم: حرکت به سوی تهران	۱۵۲
فصل هفتم: پیرم و ریاست اداره نظمیه	۱۵۷
فصل هشتم: اعدام شیخ فضل‌الله نوری و نقش پیرم خان	۱۵۹
فصل نهم: آشوب‌های ایالات و نقش پیرم در اعاده امنیت	۱۶۲
فصل دهم: پیرم خان و ماجرای پارک اتابک	۱۶۴
فصل یازدهم: بیم و امید بازگشت شاه سابق به ایران	۱۶۷
فصل دوازدهم: تأثیر فتوحات بر شخصیت و عملکرد پیرم	۱۶۹

فهرست مطالب / ز

فصل سیزدهم: اولتیماتوم، انحلال مجلس دوم و ناکامی مشروطه در ایران با تأکید بر نقش یی‌رم خان.....	۱۷۱
فصل چهاردهم: نقش یی‌رم خان در ماجرای اولتیماتوم و انحلال مجلس.....	۱۷۴
فصل پانزدهم: شکاف میان یی‌رمیان و دانشاک‌ها و پایان کار یی‌رم.....	۱۷۹
فصل شانزدهم: خروج دانشاک از حاکمیت و سیاست کناره‌گیری.....	۱۸۲
منابع و مأخذ.....	۱۸۶

www.ketab.ir

مقدمهٔ پروفیسور آساطوریان

گذشته از اشتراکات فرهنگی و تمدنی، مناطق استراتژیک ایران و قفقاز از نظر تاریخی دارای اشتراکات و تنیدگی‌های فرهنگی و سیاسی هستند. ایران و قفقاز نه تنها در طول تاریخ تمدن به مثابه چهار راه تمدنی دارای اهمیت بوده‌اند، بلکه جغرافیایی داشته‌اند مملو از حوادث و تنش‌ها در کنار تعاملات و داد و ستدهای فرهنگی و نژادی. گاه گاهی ایران برای منطقهٔ قفقاز و مردمان آن به عنوان دروازه و پل ارتباطی محسوب می‌شد و در برخی از ادوار، قفقاز نیز گذرگاه و مأمی برای نظام سیاسی و فعالان سیاسی و فرهنگی ایران به حساب می‌آمد. قدمت خاطرهٔ جمعی مشترک ایرانیان و ارمنیان نیز به درازی تاریخ دو کشور است. حضور و اثرگذاری ایرانیان در سرزمین ارمنستان و بالعکس، محصول یک امر دفعی و ناگهانی نبوده، بلکه دارای یک فرایند درون‌زای چند هزار ساله بوده است. نقش تمدن ایرانی در ساماندهی و مهندسی فرهنگی و سیاسی جامعهٔ ارمنی بیش از تمدن‌های دیگر بوده و همچنین خلاقیت‌های فکری و فرهنگی ارامنه همواره بر پیکرهٔ جامعهٔ ایرانی اثر نهاده است؛ به عبارتی، تاریخ دو ملت در عین برخورداری از پیچیدگی‌ها و تنوعات، آنچنان به یکدیگر گره خورده است که تصور یکی از آن دو بدون در نظر گرفتن نقش دیگری تقریباً محال می‌نماید. کتاب ارزندهٔ آقای دکتر سید سعید جلالی پژوهشگر ژرف‌بین ایرانی در زمینهٔ تأثیر جامعهٔ ارمنی بر انقلاب مشروطیت ایران - که در حقیقت یکی از نقاط عطف تاریخ ایران است - نیز درون همین چارچوب تاریخی می‌تواند محل توجه و فهم قرار گیرد. این اثر که تأثیر متقابل ایرانیان و ارامنه را از عصر صفویه مورد بررسی قرار می‌دهد، به خوبی توانسته است یک مدل کلی ارائه دهد و به تحلیل استقرار و کارکرد اقتصادی و در نتیجه بقای فرهنگی و هویتی ارامنه در داخل جامعهٔ بزرگ ایران بپردازد؛ حضوری که علاوه بر بقای هویت، به کارکرد اقتصادی- اجتماعی آنان و جذب تدریجی نخبگان ارمنی در جامعهٔ سیاسی و مدنی ایران انجامید و در شکل‌دهی بزرگترین حرکت مدنی و سیاسی در ایران یعنی انقلاب مشروطیت منتهی شد. برخی از آنان نقش تئورسین‌های اصلی جنبش را بر عهده گرفتند (نمونهٔ میرزا ملکم خان) و برخی دیگر نیز در ساماندهی جامعهٔ سیاسی و مدنی ایران مؤثر افتادند (نمونه‌های سوسیال دموکراسی تبریز و گیلان).

مؤلف وقتی به برخی از وقایع و تحلیل‌های تاریخی اشاره می‌کند - به ویژه در آن بخش‌هایی که به نقل و نقد ماهیت جریان‌های سوسیالیستی در ایران (خاصه در شکل قفقازی آن) می‌پردازد - انگار در کمند نوعی نگاه کلی و کلان گرفتار آمده و نتایجی کلی از دل ادعاهایی کلی‌تر اخذ کرده است، اما در ادامه، ایشان طی توصیف و تحلیل مبسوطی که از شکل‌گیری گروه سوسیال دموکرات‌های ارمنی و تمایزات گفتمانی آنان با سوسیالیست‌های قفقازی ارائه می‌دهد، هدفمندی پژوهش خود را به خوبی آشکار می‌کند. از این رو، تبیین و تحلیل او از رفتارها، اندیشه‌ها و کارکردهای سیاسی گروه‌های سوسیالیستی ارمنی تبریز و گیلان بسیار دقیق، موشکافانه و نقادانه است. هر چند در این زمینه پژوهش‌های گران‌سنگی همانند پژوهش‌های جناب آقای دکتر خسرو شاکری، تاریخ‌پژوه و محقق برجسته ایرانی صورت گرفته است، لیکن پژوهش حاضر در بیان چیستی و تبیین این سنخ از جریان‌های سیاسی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و اندیشه‌نگاری تاریخی مدلی موفق و ارزنده محسوب می‌شود؛ همچنین است نقدهایی که نویسنده بر دو جریان سیاسی فوق یعنی جریان ارمنی گیلان و تبریز به مخاطب ارائه می‌دهد. تحلیل نویسنده از شخصیت‌ها و کامیابی‌های جریان‌های سیاسی‌ای چون دانشناکسوتیون و هنجاکیس‌ها در ایران و در رأس آنان، دو شخصیت برجسته حزبی یعنی گریگور یقیکیان، هنجاک‌ی برجسته گیلان و پیرم خان رهبر دانشناک‌های ایران نیز در خور توجه است. از این رو واکاوی بی‌طرفانه شخصیت‌های تاریخی مورد پژوهش و نقد و نظر نویسنده در باب کارکرد و نقش آنان، آنگونه که در مورد این دو شخصیت آورده است، می‌تواند ارائه مدل موفق از تاریخ‌نگاری معاصر در ایران باشد. از دیگر نقاط قوت این اثر استفاده نویسنده از منابع دست‌اول تاریخی در داخل و خارج از ایران است؛ همچنین استفاده از منابع اسناد و متون تاریخی، نامه‌ها، روزنامه‌های وقت، خاطرات و... به علاوه نقدهای پژوهشگر از مجموعه متون تحقیق که در بخش‌هایی از نوشتار بروز بیشتری داشته‌اند و استفاده و اشاره به آنها در منابع تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه از حیث آمیختگی با ایدئولوژی‌های مختلفی که همواره موضوع چالش و نزاع هستند، دارای اهمیت است. امید است پژوهش‌هایی از این دست بتوانند با کمک به روشن شدن بخش‌هایی از تاریخ دو ملت که در جنگ ابهامات و جهت‌گیری‌های غیر علمی گرفتار آمده‌اند، به تبیین «بد»های تاریخی، آنگونه که بوده‌اند نه آنچنان که نمایش داده شده و یا بازتأیید‌اند، یاری رسانند و در حرکت به سوی آینده‌ای توأم با حسن هم‌جواری و برادری دو ملت مؤثر افتند.

گاریک آساطوریان

۴ نوامبر ۲۰۱۰

ایروان، جمهوری ارمنستان

دیباچه دکتر جنیدی

ایران کشوری کثیر الاقوام است. ارامنه، کلیمیان، صابین، آشوریان و ترکمن‌ها از مهم‌ترین گروه‌های قومی و مذهبی در ایران هستند. از نکات قابل توجه در تاریخ ایران آنکه، این قومیت‌ها هرگز به مثابه یک عنصر خارجی مهمان تلقی نشده‌اند و رفتار اکثریت ایرانیان مسلمان با آنان کنشی بر مبنای «اتوریته» یا «گرواژی» نبوده است. این در حالی بود که بسیاری از گروه‌های قومی در نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در نتیجه تحولاتی سیاسی و اجتماعی آن سامان ناچار عطای ماندن را به لقای رفتن بخشیدند و کوله‌بار سفر بستند و یا بسیاری تحت تبعیض‌های ناروای اجتماعی جان سپردند. بالعکس ایرانیان به تنها به تحلیل و تحدید جایگاه اقوام نپرداختند بلکه در حیات سیاسی آنان از قدیم تا کنون مشارکت این بخش از هم‌وطنان دگراندیش مذهبی و فرهنگی کاملاً محسوس می‌باشد. اخیراً اسنادی از یکی از دوستان فاضل به دست بنده رسید، در میان آنها چند سند مربوط به غارت کلیساها در قره‌داغ آذربایجان نیز به چشم آمد. یکی از اسناد متعلق به واکنش علمای مذهبی و روحانی نسبت به این تعرض‌ها بود که برای بنده جالب توجه آمد. ماجرا به غارت یکی از کلیساها و تصرف عدوانی املاک و سرمایه‌های آن توسط راهزنان و نیروی خودسر محلی برمی‌گشت.

شاید در ذهن غارت‌گران، چپاول نهادهای کلیسایی مسئله‌ای نبود که حساسیت جامعه مذهبی و روحانیان شیعه را برانگیزاند. اما علمای شیعی مورد استعمال، چون از واقعه مطلع گشتند احکام و فتوایی شدیداللحن صادر کردند و هرگونه تصرف و خرید و فروش و استفاده با مشروع و غارت کلیساها را خلاف اصول اسلام و مذهب تشیع دانستند. این اسناد و روایت‌هایی از این سنخ حکایت از آن دارد که تساهل نهادهای سیاسی نسبت به اقلیت‌های قومی مذهبی در ایران قطعاً مستظهر به پشتیبانی نهادهای مذهبی بوده‌اند، نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت سیاسی و اجتماعی جمعیت ارمنی در انقلاب مشروطه نیز از این منظر قابل تحلیل می‌باشد. آنان تحولات اجتماعی را در ایران با دقت رصد می‌نمودند و بهبودی اوضاع ایران را نه صرفاً برای اکثریت مسلمان بلکه برای همه ایرانیان سودمند می‌پنداشتند. انقلاب مشروطه یکی از محمل‌ها و جلوه‌گاه‌های مشارکت اقوام مذکور در ایران می‌باشد و افرادی چون ملک

ل / ارامنه و انقلاب مشروطه ایران

آندرسیان، قهرمان ارمنی مورد اشاره نویسنده که در چوبه دار روس‌ها فریاد ایران خواهی را سر داد فقط یکی از قهرمانان مبارزات آزادیخواهانه و ایران‌گرایانه می‌باشد. بدون تردید کتاب *ارامنه و انقلاب مشروطه ایران* هم از حیث محتوایی و هم از نظر متدلوژی پژوهش اثری خواندنی و مورد استفاده برای کلیت ملت ایران می‌باشد.

دکتر محمود جنیدی

اسفند ۱۳۹۰

www.ketab.ir

مقدمه نویسنده

جنبش مشروطیت ایران در شمار نخستین انقلاب‌های آسیایی و خاورمیانه‌ای قرن بیستم بود. در پیروزی این جنبش سیاسی و اجتماعی مجموعه‌ای از نیروهای ملی با گرایش‌های مختلف، در کنار نیروهای فراملیتی نقش داشتند. هم چنین اقوام و گروه‌های نژادی و مذهبی نقش بارزی در فرایند انقلاب ایفا کردند، چرا که ایران کشوری با اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های متنوع است که از قدیم‌الایام در کنار یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، سیاست غالب، همواره آمیخته با ایندولوژی غالب بوده است و مذاهب و عقاید دینی به شکل معمول ابزاری در جهت کسب مشروعیت برای سلاطین به حساب می‌آمدند. در این جامعه هرچند با اقلیت‌های دینی و مذهبی، بایر سنت‌های دیرین، به قدر کفایت، مدارا و تساهل می‌شد، لیکن حضور آنان در عرصه‌های سیاسی، نوعی تابو به حساب می‌آمد. این مسأله به ویژه دربارهٔ اقلیت‌های دینی و نژادی‌ای همانند ارمنی، آشوریان، یهودیان و زرتشتیان بیشتر صدق می‌کرد. این جمعیت‌ها نیز به جهت قَلت و پراکندگی نفوس، همواره تلاش می‌کردند تا از حوادث گران تاریخی بر کنار باشند. از این رو آنان مداخله‌ای در امور سیاسی نمی‌کردند و هیچگاه از خیزش‌کنندگان اجتماعی و سیاسی نیز نبودند. با این همه، نقش اقلیت‌ها در انقلاب مشروطه چشم‌گیر و متفاوت می‌نمود. از این منظر، انقلاب ایران تجربه‌ای منحصر به فرد در تاریخ این کشور است. در این میان نقش ارمنه بسیار چشم‌گیرتر از دیگران بود. از علل اصلی حضور پررنگ آنان در مشروطیت ایران، می‌توان از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران عصر انقلاب و تلاش آنان برای بهره‌مندی از حقوق مساوی با دیگر آحاد مردم ایران و نیز شرایط ویژهٔ بین‌المللی و سیاست مشارکت‌جویانهٔ رزمندگان و گروه‌های سیاسی ارمنستان در بهشت نام برد. لیکن در انقلاب مشروطهٔ ایران چندین طیف از گروه‌ها و جمعیت‌های ارمنی مشارکت بارزتری داشتند. نخستین بخش از آنان ارمنیان ایران بودند که هرچند با تعلل و تأخیر ولی بالاخره به انقلاب پیوستند و مساعدت‌های شایانی از نظر اقتصادی و سیاسی به انقلابیون نمودند. مهمترین تشکّل سیاسی ارمنهٔ ایران گروه سوسیال دموکرات‌های تبریز بود. این گروه تحت تأثیر انقلاب‌ها و خیزش‌های سوسیالیستی در جهان پای به عرصهٔ سیاست در ایران گذاشت. هنجاکیان و دانشناک‌ها نیز از گروه‌های دیگر ارمنی حاضر در انقلاب مشروطیت ایران به شمار می‌آمدند. در فضای سوسیالیست‌زدهٔ آن روزهای ایران، گروه‌های سیاسی و اجتماعی با درآمدن در سلک سوسیالیست و کمونیست، به همکاری با مجموعه نیروهای فراملی می‌پرداختند؛ همان نیروهایی

که در ایران در راه آرمان آزادی خواهانه مردم علیه استبداد قاجار، که از حمایت های امپراتوری تزارها برخوردار بود، در یک جبهه واحد قرار داشتند.

متأسفانه جز چند اثر محدود، پژوهش های جذبی درباره علل و انگیزه ها و چگونگی مشارکت این گروه ها صورت پذیرفته است و اکثر منابع اصلی انقلاب نیز در آشکار کردن دایره تاریک این بخش از تاریخ کمک شایانی ارائه نمی کنند. این کاستی ها تا اندازه ای است که ادوارد براون از معاصران انقلاب که به ظاهر حساسیت های زیادی درباره انقلاب ایران داشته و با برخی از نیروهای انقلابی در تماس بوده در کتاب تاریخی خود کمترین اشاره را در این زمینه دارد. او حتی اولین رئیس پلیس پس از فتح تهران توسط انقلابیون را به جای پیرم خان فردی به نام مجهول «افرایم سعید»^۱ معرفی می کند. حال آنکه پیرم خان در نظر مخالفان و موافقان، از ارکان اصلی پیروزی مشروطه خواهان ایران محسوب می شود. این سکوت و کم رنگ نشان دادن مشارکت ارمنیان علت های مختلف دارد که از مهمترین آنها می توان به جهت گیری های ایدئولوژیک و ضد دانشاکی و منچاکی بلشویک ها و منابع رسمی تاریخ نگاری شوروی و همچنین اختلافات داخلی گروه های ارمنی و سیطره ناسیونالیسم بر تاریخ نگاری ایران پس از مشروطه اشاره کرد.

گرچه نگارنده به سبب قلت منابع با تنگنای بسیاری مواجه بوده است، لیکن تلاش کرده است تا با مراجعه به اسناد، خاطرات رجال سیاسی و اجتماعی این دوره، گزارش ها و نامه ها و همچنین بازخوانی موشکافانه منابع این دوره، این نقص را تا اندازه ای جبران کند.

سید سعید جلالی

۹۰/۷/۲۵